دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال هجدهم/ شماره ۳۲/ پاییز و زمستان ۱۴۰۵

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, 18 No.32, Autumn & Winter 2026

تبیین مفهوم تربیت پنهان از منظر فقه

□ شریفی، محمدکاظم *
□ شجاعت علی **

چکیده

تربیت پنهان در نظام آموزشی از دغدغه‌های متخصصان عرصه تعلیم و تربیت هست زیرا دریادگیری اثرگذار است و با توجه به پژوهش‌های انجام شده، نگاه به تربیت پنهان تا به امروز یک نگرش توصیفی بوده و ماهیت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است و همان طور که توصیف و تحلیل آن از منظر اسلام اهمیت دارد، استخراج گزاره‌های توصیه‌ای آن از منابع دینی، مهم به شمار می‌آید زیرا فقه تعیین کننده تکلیف عمل است. دستورات مکاتب تربیتی مادی‌گرا که نشأت گرفته از منابع غیر وحیانی است زنگ خطری برای نسل آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی است و نگاه فقه به این عرصه، سبب غنی شدن حکومت و نظام آموزش اسلامی از دستورات اسلامی می‌شود. پژوهش حاضر کوشیده با هدف انجام دادن این رسالت در موضوع تربیت پنهان، تعریفی از تربیت پنهان ارائه دهد که با معیارهای فقه ساز گاری داشته باشد تا توانایی استخراج توصیه‌های الزامی و تجویزی فقهی از ادله و منابع دینی را پیدا کند. این کنکاش با روش توصیف، تحلیل، به این نتیجه دست یافت: تعاریفی که اندیشمندان غربی از تربیت پنهان ارائه داده‌اند را می‌توان در چهار دسته: غیر قصدی، غیر ارادی، غیر آگاهانه، غیر مستقیم، تقسیم نمود و بر اساس شاخصه‌های علم فقه این تبیین از تربیت پنهان مناسب‌ترین تعریف می‌تواند باشد: «تربیت پنهان یعنی تأثیر گذاشتن در فرآیندی در حاشیه‌ی تربیت رسمی که با تغییر به صورت غیر آگاهانه(خارج از برنامه) بر متربی ایجاد می‌شود یعنی متربی نسبت به تأثیرگذاری اهتمام و توجه ندارد و از این جهت پنهان است».

کلیدواژه‌ها: تربیت پنهان، فقه، غیر آگاهانه.

---

* گروه فقه تربیتی جامعة المصطفیﷺ العالمیه، پاکستان.

مقدمه

پیمودن مسیری که انسان را به کمال نهایی می‌رساند یا سبب توسعه و پیشرفت هر جامعه می‌شود وابسته به علم و دانش انسان‌ها است و بدون شک بخش اعظم علم و دانش انسان‌ها، محصول نظام آموزشی می‌باشد که متولی تعلیم و تربیت است. تربیت می‌تواند با ملاک‌های متفاوتی از یکدیگر متمایز بشود و یکی از این ملاک‌ها، نوع سازماندهی است که به دو بخش کارکرد آشکار و کارکرد نهان تقسیم شده است و از جمله مصادیق کارکرد نهان تربیت رسمی، تربیت پنهان است، این نوع از تربیت در حقیقت بعد غیرقابل پیش بینی یادگیری است، طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد، غفلت از بخش مهمی است. از جمله عناوینی که برای این بعد مخفی از تربیت می‌توان بیان کرد، برنامه درسی نانوشته یا پیرابرنامه درسی Paracurriculum است، که از نگاه مکاتب و نظام‌های تربیتی غیر دینی، این بعد غیر قابل پیش بینی، پنهان مانده و در برنامه ریزی‌های کلان آموزشی نیز مورد توجه نیست یا آن طور که باید به آن توجه و اهمیت داده نشده است، چنان که مشاهده می‌شود در تربیت دانش‌پژوه در زمینه روابط بین استاد و شاگرد در مکاتب تربیتی غرب، کتابی به سختی می‌توان جست مانند کتاب آقا معلم نوشته فرانک مک کورت(مک کورت، ۱۳۸۸ش)، یا اگرکتابی هم یافت بشود در عصر حاضر نوشته شده است. اما در طرف مقابل، تربیت وحیانی نگاهی جامع به تمام ابعاد و زوایای تربیت دارد و قرن‌ها قبل توسط دین اسلام این آداب بیان شده است و تنها چیزی که سبب متروک ماندن آن‌ها شده غفلت مسلمانان بوده است و با گذشت زمان کتاب‌هایی در این زمینه تدوین گردید که بیانگر پویایی دین اسلام بوده است و از این بین می‌توان به کتاب منیة المرید فی ادب المفید و المستفید (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق) اشاره کرد. در این بین فقه به عنوان یکی از معارف اسلام توانایی حضور و ایفای نقش در این عرصه را دارد، این پژوهش درصدد شناخت مولفه‌های تربیت پنهان است که توسط اندیشمندان حوزه تربیت شناسایی شده یا فاکتورهایی که نبود آن‌ها محسوس است را برمی‌شمارد تا تعریفی سازگار با معیارهای فقهی ارائه دهد که بر اساس ضوابط فقه تربیتی بتوان حکم فقهی برای تربیت پنهان استنباط کرد.

مفهوم‌شناسی

فقه

اهل لغت «فقه» را به مطلق «فهم، علم و ادراک» معنا کرده اند؛(جوهری، ۱۹۹۰، ج۶، ص۲۲۳۴؛ فیومی، ۱۴۰۵، ص۴۷۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج۴، ص۴۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۵،،ج۱۳، ص۵۲۲) اما برخی دیگر از لغویین «علمی که با تامل و اندیشیدن به دست می‌آید» (مصطفوی،: ۱۴۱۶،ج۹، ص۱۲۳؛ راغب اصفهانی:۱۳۹۲، ص۳۹۸) را علم فقه نامیده‌اند. در اصطلاح فقه عبارت است از «مجموعه قضایایی که کاشف از حلال و حرام و اعتبارات الاهی است. قضایایی که با تلاش و اجتهاد «فقیه» از منابع و مستندات شرعی استخراج می‌شود.» (علیدوست،: ۱۳۹۰، ص۶۷).

تربیت پنهان

تربیت مصدر ثلاثی مزید از باب تفعیل می‌باشد که اگر از ریشه ربو باشد به معنای زیاده، رشد و نمو خواهد بود(ابن فارس، ۱۴۰۴ ه ق، ج۲، ص ۴۸۳). اما برخی معتقدند از ریشه ربب است لذا به معنای نظارت کردن، سرپرستی، پروراندن و به کمال شیء رساندن می‌باشد(طریحی، ۱۴۱۶ ه ق، ج۲، ص۶۳)، (واسطی، ۱۴۱۴ ه ق، ج۲، ص۵). پنهان واژه‌ی است که در زبان فارسی به کار برده می‌شود و اهل لغت آن را به پوشیده و مخفی معنا کرده‌اند(دهخدا، ۱۳۴۱، تهران، ج۴، ص۱۰۹۴).

تربیت پنهان در اصطلاح اندیشمندان غیر دینی

بخش حاضر در صدد کشف، تبیین و عرضه تعریف اصطلاحی تربیت پنهان است به فراخور تنوع در کشف یک معنای اصطلاحی می‌توان معانی متفاوت و مشترکی را که در علوم تربیتی بیان شده است را ارائه داد البته این سخن به معنای عدم بیان تعریف اصطلاحی از علوم دیگر مانند فقه تربیتی نیست بلکه مقصود نهایی این است که معنایی ارائه بشود که با معیارهای فقه تربیتی سازگار باشد. هم چنان که برای تربیت تعاریف متفاوتی ارائه شده است تربیت پنهان نیز تعریفی یگانه و یا همگون ندارد، زیرا هر اندیشمندی در صدد تعریف بر اساس گرایش‌های علمی و فکری خود است تا تعریفی را که ارائه می‌کند، بتواند از آن دفاع کند. تربیت پنهان در نگاه ابتدایی، برنامه درسی پنهان

به شمار می‌آید اما تفاوت‌هایی با هم دارند، برای دستیابی به مفهوم دقیق از تربیت پنهان بایستی برنامه درسی پنهان تبیین و تشریح شود. برنامه درسی پنهان یکی از اقسام و انواع برنامه درسی است. جورج جی پوزنر نیز در کتاب خودش با عنوان تجزیه و تحلیل برنامه درسی معتقد است، پنج نوع برنامه درسی وجود دارد، ۱. برنامه درسی رسمی به برنامه‌ی اطلاق می‌شود که در اسناد رسمی توصیف شده است، ۲. برنامه درسی عملیاتی، برنامه‌ی که در تمرین‌ها و آزمون‌های واقعی تجسم یافته است، ۳. برنامه درسی پنهان، در حقیقت هنجارها و ارزشهای نهادی که به طور آشکار توسط مسئولان اداری یا مسئولان مدرسه پذیرفته نشده‌اند، ۴. برنامه درسی صفر، هر گاه نظام آموزش یا برنامه ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسائل را عملا در برنامه‌های درسی نگنجاند، آن برنامه‌ی درسی را برنامه‌ی درسی صفر یا عقیم می‌نامند، ۵. برنامه درسی اضافی یا فوق برنامه به تجارب برنامه ریزی شده‌ی اطلاق می‌شود که از برنامه درسی رسمی خارج است(page 12,۱۹۹۵، Posner). جان دیویی در کتاب دموکراسی و آموزش اذعان دارد، گمان انسان‌ها مبنی بر این که متربی در زمان تربیت و یادگیری فقط همان کتاب‌ها و محتواهای تربیت را فرا می‌گیرد که توسط مربی به وی آموزش داده می‌شود، یک تصور غلط است، بلکه در این دوران شخصیت و علاقات و ... متربی ساخته می‌شود و این موارد در سایه کتاب‌هایی مانند جغرافیا یا املاء یا تاریخ صورت نمی‌گیرد(Dewey,(1916/ 1966), page 48). به نظر می‌آید که جان دیویی نیز پی برده در نظام رسمی تربیت، چیزی دیگری نهفته شده که در شخصیت سازی متربی تاثیرگذار است ولی نامی از آن نمی‌برد و ممکن است این همان تربیت پنهان باشد. از طرف دیگر دیوید کیلیک در دانشگاه لیدز بکت انگلستان مقاله‌ی با عنوان «نقش برنامه درسی پنهان، پیام‌های نهادی فراگیری» به چاپ رسانیده، معتقد است که برنامه درسی پنهان در اصلاح و پیشرفت متربی بسیار موثر است(Killick, The Role of the Hidden Curriculum, April 2016). علاوه بر این، تربیت پنهان تاثیر عمیق و ماندگاری دارد، در تبیین این مطلب باید اذعان کرد که اثر گذاری تربیت یا برنامه درسی پنهان در تمام طول عمر و زندگی همراه متربی است، زیرا این لایه‌ی مخفی به دلیل اتفاقاتی که برای آن هیچ برنامه‌ی وجود ندارد در متربی درونی می‌شود و عواطف او را درگیر می‌کند و این سبب می‌شود تاثیرآن در متربی پایدار و همیشگی باشد(بیان فر، پایان نامه دکتری، ۱۳۸۸ش، اهمیت پژوهش). دکتر

جیمز تی. لیندروت مقاله‌ی با عنوان «برنامه درسی پنهان: چه چیزی را آموزش می‌دهید؟» دارد، وی نیز به همین تاثیر گذاری پایدار این لایه‌ی مخفی در متربی اذعان می‌کند(بی تا ,Lindroth Article The Hidden Curriculum,). اولین شخصی که اصطلاح «برنامه درسی پنهان» را به کار برد، فیلیپ جکسون در سال ۱۹۶۸ در کتاب «زندگی در کلاس درس» بود لذا باید وی را مبتکر اصطلاح «برنامه درسی پنهان» دانست(مارگولیس، ۱۳۹۵ش، ص۲۹)، (قورچیان، ۱۳۷۳ش، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی شماره ۵، ص۴۸)، البته امیل دور کیم نیز در کتاب آموزش رسمی سال ۱۹۶۱ به برنامه درسی پنهان اشاره کرد(DURKHEIM,1961,page 148)، جکسون ویژگی‌های کلاس درس را مبتنی بر ر وابط اجتماعی(یکی از مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان) می‌دانست((Jackson, 1968, page 3 to10، در کتاب وی تعریفی نسبت به برنامه درسی پنهان پیدا نمی‌شود اما تعریفی به وی منتسب شده که با مثالهای ذکر شده در کتاب وی سازگاری دارد:«جکسون به پیامدهای ثانوی نظام آموزشی و دامنه وسیعی از نتایجی که برنامه درسی رسمی می‌تواند موجب وقوع آن شود اشاره دارد» (همان)، (محمدی مهر، فتحی واجارگاه، پاییز ۱۳۸۷، مجله راهبردهای آموزش، سال اول، شماره یک).

الیوت وین آیزنر از متخصصین حوزه برنامه درسی در کتابی با عنوان تخیل آموزشی نسبت به برنامه درسی نظریه پردازی و این مقوله را به سه بخش آشکار یا رسمی، برنامه درسی پنهان یا ضمنی و برنامه درسی پوچ یا تهی تقسیم می‌کند و در مورد برنامه درسی ضمنی یا پنهان نیز می‌نویسد: «برنامه درسی پنهان، آن دسته از آموخته‌های دانش آموزان است که در ضمن یادگیری‌های صریح و آشکار اتفاق می‌افتد و بر شکل گیری تجارب، نگرش‌ها و ارزش‌ها بر یادگیرندگان تأثیر می‌گذارد» (Eisne, Elliot ,1998,page 90 to97). نویسنده کتاب «در مورد آنچه در مدرسه آموخته می‌شود؟» رابرت دربین در ضمن یک مثال اشاره‌ی به برنامه درسی پنهان می‌کند: «ساختار زندگی خانوادگی ضروری و مهم است، تقریبا انس ان به تنهایی نمی‌تواند کودک را برای زندگی در دنیای بزرگسالی آماده کند. دربین هنجارهای مربوط به مدرسه را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت نظام آموزش به دانش آموزان می‌آموزند که روابط اجتماعی گذرا را شکل بدهند و متربی را بیشتر در هویت‌های شخصی خود مشغول می‌کنند تا مشروعیت رفتار طبقه‌ای را بپذیرند» (DREEBEN,1967, page

147). خانم الیزابت والانس در مقاله ی با عنوان پنهان کردن برنامه درسی پنهان در مورد این مفهوم می‌نویسد: «واژه برنامه‌ی درسی پنهان دارای سه بعد اساسی به شرح زیر است: ۱.برنامه ی درسی پنهان به تمام محتوای موجود در مدرسه از قبیل تعامل میان شاگرد، معلم، ساختار کلاس و تمام الگوهای سازمانی موجود در سیستم‌های اجتماعی فضای کوچک مدرسه اطلاق می‌شود. ۲ .برنامه ی درسی پنهان در فرآیندهای حصول ارزش‌ها، اجتماعی شدن و حفظ و نگهداری ساختار کلاس نقش اساسی دارد. ۳. برنامه ی درسی پنهان دربرگیرنده‌ی درجه تفاوت‌ها در کاربردهای عمدی و عمیق پنهانی شاگردان است که به وسیله‌ی تحقیقاتی می‌تواند درک گردد» (Article Vallance, Hiding the hidden curriculum, page10 to 11.)، ساموئل بولز و هربرت گینتیس در کتاب تحصیل در آمریکای سرمایه داری تعریف شفافی از برنامه درسی پنهان ارائه نمی‌کنند ولی معتقد هستند که مدرسه و نظام آموزشگاهی موجود در آمریکا به عنوان یک نهاد اجتماعی پویا، وظیفه واقعی خود را بجا نمی‌آورد بلکه در حال ساخت و گسترش یک شکاف طبقاتی هست که در جامعه‌ی امروز آمریکا این شکاف وجود دارد و این کار با توجه به توانایی فکری و ویژگی‌های شخصی و انتخاب شغل مناسب دانش آموزان با ارسال پیامی خاموش، اما قدرتمند به دانش آموزان صورت می‌گیرد و این از طریق برنامه درسی پنهان صورت می‌گیرد(Fulya Damla Kentli, Department of Education Science, University of Hamburg, 2014). به عبارت دیگر نویسندگان کتاب در صدد بیان فرآیند برنامه درسی پنهان هستند و می‌توان این برداشت را از نظریه‌ی آنها داشت که عبارت ارسال پیام خاموش همان برنامه درسی پنهان است. میشایل اپل در کتاب تعلیم و قدرت برای تعریف برنامه درسی پنهان، عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی پنهان را نام برده که خانم فلولیا دامالا کانتلی در مقاله‌ی نظر ایشان را اینگونه شرح می‌دهد: وی تأکید کرد که برنامه درسی پنهان شامل علاقه‌های مختلف، اشکال فرهنگی، مبارزات، توافقات و سازش است(همان).

اما هنری گیروکس استاد دانشگاه بوستون در بیان نظریه‌های تولید مثل و مقاومت در جامعه شناسی جدید آموزش با تحلیلی انتقادی، در مورد برنامه درسی پنهان اعتقاد دارد که برنامه درسی پنهان به عنوان هنجارها، ارزش‌ها و اعتقادات بیان نشده ای تعبیه شده و از طریق قوانین اساسی ساختارهای معمول و روابط اجتماعی در مدرسه و کلاس به دانش آموزان منتقل می‌شود(همان). از

دیدگاه برخی دیگر از متخصصین علم تربیت، برنامه درسی پنهان می‌تواند بخش حاشیه‌ای و عوارض جانبی آموزش رسمی باشد که فقط در چارچوب کلاس و محیط اجتماعی قابل انتقال است (Martin,Jane,1983, page 122-139).

اما تربیت پنهان، اصطلاحی است که از دو بخش، تربیت و پنهان، تشکیل شده است، برای تعریف تربیت پنهان باید ابتدا دید که تربیت از چه منظری مورد توجه است؟ زیرا تربیت را می‌توان از دو زاویه مورد بررسی قرار داد، گاهی تربیت به عنوان یک نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، در این نوع نگرش در حقیقت تربیت یک معنای عامی پیدا می‌کند و یک نظام و یا سازمانی خواهد بود که در آن فعالیت‌های تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد، اگر مقصود از تربیت، همین مفهوم سازمان باشد، بر این اساس برنامه درسی پنهان می‌شود جزئی از تربیت و نسبتی که بین برنامه درسی پنهان و تربیت پنهان به وجود خواهد آمد نسبت عام و خاص مطلق خواهد بود. در نگرش دوم، تربیت به معنای خاص مورد توجه است، بر این اساس تربیت همان فرآیندی است که باعث تغییر تدریجی در متربی می‌شود و در این پژوهش مفهوم و معنای دوم از تربیت مورد توجه می‌باشد. در نگرش دوم از تربیت، اندیشمندان تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند چنان که شهید مطهری تربیت را به نوعی پرورش دادن می‌داند البته این پرورش باید به گونه‌ی باشد که باعث به فعلیت درآمدن استعدادهای بالقوه درونی فرد بشود (مطهری، ۱۳۸۴ش، ج۲۲، ص۷۱۵). در تعریف تربیت باید سه عنصر، مربی و متربی و محتوای تربیت، مورد توجه باشد که شهید مطهری در تعریف خود از تربیت، به هیچ یک از این سه عنصر اشاره نکرد و فقط فرآیند تربیت را بیان نموده است.

برخی دیگر این گونه تعریف کرده‌اند، «تربیت یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعدادهای انسانی و نیز رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی، همراه با تلاش و دلسوزی تربیت کننده، به گونه‌ای که متربی به اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد» (هاشمی، ۱۳۸۸، شماره ۵۹ و ۶۰) در این تعریف، یک تناقض وجود دارد، در صدر تعریف آمده است که تربیت یعنی شکوفا کردن ولی در ذیل آمده است که مربی در تربیت نقش رفع کننده موانع را دارد و این دو عبارت باهم سازگاری

ندارد، زیرا در حقیقت، تربیت شکوفا شدن است یعنی به عبارتی این استعدادهای درونی متربی است که شکوفا می‌شود و طی این فرآیند تربیت صورت می‌گیرد و مربی در نقش زمینه سازی این شکوفایی استعدادها است اگر در تعریف تربیت شکوفا کردن گنجانده شود در این صورت متربی نقش خاصی نخواهد داشت و فاعل تربیت نیز مربی خواهد بود و این خلاف است زیرا در تربیت نقش اساس در شکوفایی استعدادهای درونی بر عهده خود متربی است، به سخن دیگر فاعل تربیت متربی است (کریمی، ۱۳۹۲، ص۸۴). علامه مصباح در تعریف تربیت نوشته‌اند: تربیت در حقیقت فراهم کردن زمینه‌هایی برای رشد کردن در رسیدن به کمال خود شخص است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص۲۷)، این تعریف نیز با وجود اختصار تعریف خوبی است اما این تعریف جنبه‌ی ایجابی دارد به نوعی از ظاهر تعریف این گونه بر می‌آید که تربیت فقط در جهت شکوفا شدن استعدادها است در حالی که ممکن است متربی صفاتی را دارا باشد که نیاز به اصلاح و کنترل دارد، به سخن دیگر در تعریف جنبه سلبی در نظر گرفته نشده است، بنابراین تعریف جامع الافراد نیست. اما تعریف مختار از تربیت این است: «**فرآیندی که به متربی کمک می‌شود تا در یک بستر زمانی و به صورت تدریجی در ساحت بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری تغییر کند و این تغییر نیز در جهت شکوفا سازی استعدادهای متربی و رساندن وی به کمال است**» (اعرافی، ۱۳۸۸ش، ص۲۸). این تعریف چد ویژگی دارد یکم: با علم فقه سازگاری دارد، زیرا فرآیند کمک و یاری رساندن، یک فعل است و موضوع در علم فقه نیز فعل مکلف می‌باشد. دوم: وضاحت در تعریف، زیرا تعریف با عبارت فرآیند کمک رسانی آغاز شده و این یک مفهوم عام است سپس با مفهوم خاص که در ادامه جمله بیان شده آن مفهوم عام را تبیین نموده است. سوم: سه عنصر تربیت عبارتند از: مربی، متربی و محتوای تربیت در این تعریف موجود است.

تربیت پنهان از منظر فقه

این بخش در صدد بررسی نظریه‌های تربیت پنهان خواهد بود تا از بین آن‌ها تعریفی متناسب با علم فقه ارئه دهد، از بین دو واژه تربیت و پنهان، لفظ پنهان است که نقاط مبهمی دارد و بایستی پنهان را طوری تفسیر و تعریف نمود تا تعریف تربیت پنهان با علم فقه سازگاری داشته باشد؛ با

توجه به معانی ارائه شده از تربیت پنهان از نگاه اندیشمندان غربی، می‌توان مفهوم پنهان را در چهار دسته تقسیم بندی نمود که عبارتست از: غیر قصدی، غیر آگاهانه، غیر ارادی، مخفی کردن، غیر مستقیم و غیر استشعاری، در این بخش یکایک این معانی بیان شده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تعریفی از تربیت پنهان ارائه شود که با معیارهای علم فقه سازگار باشد.

اول: غیر قصدی

از آن جهت که برخی متخصصین، تربیت را به معنای فرآیندی دانستند که در آن مربی با قصد و عزم خویش درصدد رشد متربی است (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص۷۶)، لذا بر این اساس مفهوم تربیت پنهان به نوعی مخفی کردن قصد و عزم یا نداشتن قصد و عزم است، به عبارت دیگر در نظر این عده از متخصصان تربیت اگر تربیت فرآیندی به همراه قصد از طرف مربی و متربی است پس تربیت پنهان باید فرآیند غیر قصدی باشد، بنابراین دو چیز را بایستی تصور کرد تا معنای غیر قصدی از تربیت پنهان درست و صحیح باشد: اولا تربیت فرآیند یاری رسانی با قصد و غرض است، ثانیا پنهان به معنای مخالف همین معنا از تربیت است.

در رابطه با این تعبیر از پنهان، اشکالاتی مطرح است، یکم: این تعریف ارائه شده از تربیت، یک تعریف علمی و مناسب نیست، زیرا یکی از ویژگی‌های تعریف خوب در علم منطق واضح بودن آن است و کلمه‌ی قصد، لفظی است که معانی مختلفی دارد. دوم: ماهیت و مفهوم قصد چیست؟ در پاسخ بایستی اذعان نمود که قصد به مرحله‌ی قبل از فعل اطلاق می‌شود، به عبارتی قصد از مقدمات اراده است و کسی که می‌خواهد اراده کند و عملی را انجام دهد، اولین مقدمه‌ی اراده، تصور عمل است، اگر شخصی می‌خواهد لباس بپوشد اول باید لباس پوشیدن را تصور کند، بعد از تصور میل به آن پیدا کند و سپس لباس پوشیدن را قصد کند، به عبارتی قصد یعنی مرحله‌ای که فایده‌ی آن تصدیق شود و پس از قصد، عزم ایجاد می‌شود، عزم یعنی ایجاد شدن شوق أکید تا این عمل را انجام دهد. شوق أکید و عزم یعنی همان چیزی که سبب تحریک عضلات جهت پوشیدن لباس می‌گردد تا آن فعل را انجام بدهد، پس جایگاه قصد در این مقدمات از اراده مشخص شد. بنابر تعریفی که از تربیت ارائه شد و معنای پنهان که غیر قصدی بودن است نوعی ناسازگاری

و ناهمگونی دیده می‌شود، زیرا اولا تربیت فرآیند یاری رساندن بود و این یک فعل هست که از مرحله قصد گذشته است، وقتی خود تربیت، فعل می‌باشد چگونه است که مضاف الیه یعنی پنهان هم رتبه و هم سطح آن نیست؟ زیرا پنهان به معنای غیر قصد بود و غیر قصد یعنی هنوز به مرحله‌ی فعل نرسیده باشد، ثانیا علاوه بر این موضوع فقه، فعل مکلف است و وقتی پنهان به معنی غیر قصدی باشد و نتوان آن را فعل نامید، تا از منظر فقه اسلامی، حکم فقهی یا همان استحقاق عقاب را بر آن مترتب کرد، دیگر بحث کردن آن از منظر فقه اسلامی بی نتیجه است و بر همین اساس معنای غیر قصدی بودن از پنهان قابل پذیرش نیست.

دوم: غیر ارادی

مفهوم دومی که از واژه پنهان در ذهن متصور می‌شود معنای غیرارادی، تصادفی یا اتفاقی هست، به سخن دیگر تربیتی که بدون اراده مربی رخ داده است به این تربیت غیر ارادی می‌گویند. اگر مقصود از غیر ارادی بودن همان حالتی باشد که قبل از فعل هست چنان‌که در مطالب قبلی به آن اشاره شد، بحث از آن عبث و بیهوده است، زیرا اولا مفهوم و مقصود از ارادی واضح نیست، ثانیا اگر مفهوم از اراده، مرحله‌ی بعد از قصد و به مرحله‌ی تحریک عضلات یا فعل نرسیده باشد، علم فقه توانایی نظریه پردازی نسبت به آن را ندارد. اما اگر مقصود از غیرارادی بودن همان تصادف یا اتفاق باشد، در پاسخ بایستی اذعان نمود که تربیت هیچگاه یک امر تصادفی نمی‌تواند باشد زیرا در تعریف مختار، تربیت یک فرآیند محسوب شده است بنابراین چیزی که بدون طی یک مسیر و فرآیند یا به عبارتی اتفاقی و تصادفی در متربی ایجاد بشود، تعریف تربیت بر آن اطلاق نخواهد شد، به سخن دیگر اگر معنای تربیت پنهان، تصادفی یا اتفاقی تلقی شود، همانند این است که گفته شود تربیت هم فرآیند هست و هم فرآیند نیست و این نقضی آشکار خواهد بود و نمی‌تواند یک تعریف علمی از تربیت پنهان باشد.

سوم: غیرآگاهانه

گاهی ممکن است برخی واژه پنهان را برای معنای غیر آگاهانه استفاده کنند، به این معنا که متربی نسبت به مؤلفه‌هایی که می‌آموزد اهتمام ندارد در حقیقت مؤلفه‌ها گاهی برای مربی، گاهی برای

متربی و گاهی برای نظام آموزش پنهان است و در عصر حاضر نظام آموزش و مربی نسبت به بسیاری از مؤلفه‌ها آگاهی دارد و این متربی است که نسبت به آن اهتمام ندارد همانند این که مربی می‌داند وی علاوه بر تربیت متربی، توانایی ایفای نقشی به عنوان الگو را نیز دارد اما تمام اهتمام متربی و مربی به بحث انتقال دانش است، مربی درصدد تأثیر آگاهانه بر متربی است مانند تربیت در ساحت بدنی یعنی آموزش‌های مربی در ساحت بدنی متربی اثرگذار است اما به همراه تربیت جسمانی، متربی از برخی صفات مربی مانند تواضع، صبر و... نیز اثر می‌گیرد، در حقیقت متربی از طریق ضمیر ناخود آگاه، تحت تأثیر مربی قرار می‌گیرد، در حالی که مربی نسبت به آن آگاه است که این صفات در طول تربیت جسمانی ممکن است در طرف مقابل اثر بگذارد ولی به دلیل عدم توجه یا عدم اهتمام متربی به آنها گاهی نسبت به آن مغفول می‌ماند. اگر پنهان به معنای غیر آگاهانه باشد این معنای از پنهان قابلیت بررسی فقهی را ندارد زیرا در فقه فعلی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از روی آگاهی و اختیار صورت بپذیرد این اشکال را می‌توان این گونه جواب داد اولا غرض از غیر آگاهانه، عدم اهتمام و خارج از برنامه است ثانیا اطلاع و آگاهی مربی نسبت به آن وجود دارد و این متربی است که اهتمام ویژه‌ای به آن ندارد، ثالثا مسئولان تربیت نسبت به این مؤلفه‌ها آگاهی دارند و فقه نیز درصدد تعیین وظایف آنان است لذا فقه توانایی بررسی آن را دارد و این با سهو و نسیان نیز تفاوت دارد. با کمی دقت این تعبیر نیز درست است تربیتی که بین مربی و متربی قصد نشده است یعنی هر آن چیزی که خارج از تربیت قصد شده باشد(خارج از برنامه ریزی)، تربیت پنهان نام دارد و وجه پنهان در این است که متربی نسبت به آن اهتمام و آگاهی کامل ندارد.

چهارم: غیر مستقیم

یک معنای دیگری که از پنهان می‌توان تصور کرد غیر مستقیم است، غیرمستقیم نیز به دو صورت لحاظ می‌شود، گاهی خود شخص مربی با واسطه، متربی را تربیت می‌کند، درحقیقت تربیت را خود مربی انجام می‌دهد ولی از طریق نوار یا اینترنت و....تربیت صورت می‌گیرد و مباشرتا خود مربی تربیت نمی‌کند و گاهی نیز تربیت به صورت کنایه‌ای صورت می‌پذیرد مانند آموزش غیر مستقیم وضو به آن پیرمرد از سوی امام حسن و امام حسین علیهما السلام، در این نوع از تربیت، مربی کاملا

درصدد تربیت متربی است و در حقیقت تربیت به معنی واقعی است ولی مربی این نوع تربیت را انجام می‌دهد تا در متربی تاثیر بیشتری بگذارد چنان که می‌گویند «الکنایة ابلغ من التصریح» کنایه و غیر مستقیم گویی از صراحت و مستقیم گویی رساتر است.

جمع بندی و نتیجه گیری

مقصود از تربیت پنهان در فقه، تربیت غیر قصدی و غیر ارادی نیست زیرا قصد و اراده یک مرحله قبل از فعل است و بنابر تعریف مختار، تربیت به فرآیند اثر گذاشتن اطلاق می‌شود و اثرگذاری یک فعل است از این رو اگر مقصود از پنهان نفی مرحله‌ی قبل از فعل باشد در این صورت بین دو واژه تربیت و پنهان ناسازگاری ایجاد می‌شود، لذا دو واژه تربیت و پنهان به این دو معنا نمی‌تواند در کنار هم باشد زیرا این یک تناقض است. پنهان به معنای غیر مستقیم نیز مقصود این پژوهش نیست زیرا این غیر مستقیم به هردو معنای آن یک روش از روش‌های تربیت است اما در تربیت پنهان، اصل تربیت مفروغ عنه گرفته شده است و پژوهش حاضر درصدد بررسی اصل تربیت است که نام آن تربیت پنهان است. در توضیح تربیت پنهان چهار مقدمه را بایستی تشریح داد که عبارتند از: مقدمه اول): تربیت به دو صورت امکان پذیر است، یکم: گاهی در فرآیند تربیت، تعامل دو طرفه یا دو سویه وجود دارد مانند تعامل مربی و متربی، دوم: گاهی فرآیند تربیت، یک طرفه است، درحقیقت یک دیکتاتوری در تربیت وجود دارد که در این شکل از تربیت، فضایی که ایجاد می‌شود یک فضای ناامن، با هرج و مرج و آشفتگی پرمایه خواهد بود که چارچوب خاصی در آن وجود ندارد. بهترین نوع تربیت همان شکل اول است زیرا زمانی که به متربی اعتبار داده می‌شود، این اعتبار به خود مربی باز می‌گردد و باعث ایجاد فضایی امن و بدون هر نوع تعارض خواهد بود.

مقدمه دوم): در کنار این دو صورت از تربیت، بایستی اذعان نمود که تربیت بر اساس مبانی اولیه‌ی صورت می‌گیرد که این مبانی عبارتند از: یکم: انسان موجودی است که کامل خلق نشده و تنها موجودی که از اول خلقت کامل بوده و مانند انسان حرکت استکمالی ندارد فرشته‌ها هستند، خدواند متعال کمالات انسان را به صورت بالقوه در وجودش نهفته تا وی به وسیله عمل استعدادهای بالقوه خویش را به فعلیت برساند و به همین علت خدواند برای سیر صعودی انسان

و جهت حرکت و پرواز به سوی استکمال برای انسان دو بال با عنوان اختیار و امتحان قرار داد تا انسان با قرار گرفتن در آزمون یا دو راهی صعود و نزول و با انتخاب صعود و حرکت استکمالی به سوی تکامل پیش برود. دوم: انسان موجودی ناقص است که استعداد کامل شدن را دارد، سوم: استعدادهای نهفته خود به خود کامل نمی‌شود، چهارم: استعدادهای نهفته انسان برای کامل شدن نیاز به مهیا شدن شرایط و زمینه‌هایی دارد. تربیت در حقیقت بر اساس این مبانی است که صورت می‌گیرد. مقدمه سوم): در بین گیاه و حیوان تفاوتی مشاهده می‌شود و آن تفاوت این است که گیاه فقط رشد جمادی یا بدنی دارد اما انسان دو نوع رشد دارد، رشد جسمی یا بدنی و رشد روحی یا روانی که منظور از حرکت استکمالی و تکامل انسان، مقصود بیشتر همان رشد روحی و روانی انسان است. مقدمه چهارم): رشد روحی و روانی انسان نیز برای تکمیل نیاز دارد که انسان در سه جبهه فعال باشد، یکم: علم را فرا بگیرد و به این آیه‌ی قرآن عمل کند که خداوند فرمود: «**وَيعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**» (جمعه، آیه۲)، در حقیقت انسان زمانی می‌تواند روح و روان خویش را کامل کند که علم را اندوخته باشد و بر همین اساس اصطلاح متخصصان تربیت با عنوان تربیت پنهان در این مقوله جا می‌گیرد اما تربیت پنهان یک اصطلاح عامی هست که دو جبهه‌ی بعدی را نیز شامل می‌شود. دوم: انسان جهت سیر تکاملی نیاز به انگیزه دارد و یکی از انگیزه‌ها برای تکامل می‌تواند، وعده‌ی الهی نسبت به ورود انسان‌های کامل به بهشت و متنعم شدن از نعمات الهی باشد. سوم: عوامل وادارنده مانند امر به معروف یا عادت وجود داشته باشد که برای انسان، شرایط روحی و محیطی را فراهم سازد که از وی فعالیت‌های مطلوب سر بزند چنان که خداوند نیز می‌فرماید: «**يتْلُو عَلَيهِمْ آياتِهِ وَيزَكِّيهِمْ**» (همان) و مقصود شارع از یزکیهم یعنی فراهم آوردن شرایطی که موجب شود انسان، اعمال مطلوب و مقصود شارع را به جا آرود. برای این که درک درست از نسبت بین تربیت پنهان و برنامه درسی پنهان داشته باشیم مقدمه پنجم را هم ذکر می‌کنیم که در این مقدمه به معنای پنهان اشاره می‌شود به عبارتی پنهان به هر عملی اطلاق می‌شود که تغییر در متربی ایجاد می‌کند و از نگاه متربی مخفی است یعنی متربی نمی‌داند، این فرآیندی که در حال اتفاق افتادن است خارج از برنامه نظام آموزشی می‌باشد.

با ذکر این پنج مقدمه می‌توان فرق تربیت پنهان و برنامه درسی پنهان را تبیین نمود، برنامه درسی

پنهان فقط در مورد فراگیری علم صورت می‌گیرد اما تربیت پنهان علاوه بر یادگیری دانش در عوامل انگیزانندگی و وادارنده نیز جریان دارد و از این نظر تربیت پنهان عام و برنامه درسی پنهان چون مختص در فراگیری دانش است خاص می‌باشد. از بین معانی پنهان، آنچه غرض و مقصود از تربیت پنهان نیز می‌باشد همان تربیت غیرآگاهانه و خارج از برنامه است، به این معنا که:

«تربیت پنهان یعنی تأثیر گذاشتن در فرآیندی در حاشیه‌ی تربیت رسمی که با تغییر به صورت غیر آگاهانه(خارج از برنامه) بر متربی ایجاد می‌شود یعنی متربی نسبت به تأثیرگذاری اهتمام و توجه ندارد و از این جهت پنهان است».

با این تعریف فقه توانایی تعیین حکم وظیفه ناظران، مدیران، مربیان و در یک کلمه مسئولان تربیت را دارد و مسئولان تربیت در عصر حاضر تمام مؤلفه‌های تربیت پنهان را شناسایی و برای آن برنامه ریزی کرده‌اند و این پنهان اولا برای متربیان است ثانیا برای مربیان یا مسئولان تربیت پنهان هم اگر باشد به معنای عدم اهتمام آنان به این مؤلفه‌ها است و این عدم اهتمام در تربیت پنهان، به علت توجه و اعتنای مربی به فرآیند رسمی تربیت است و موارد خارج از تربیت رسمی مانند نوع تکلم مربی، معماری ساختمان، قوانین وضع شده که جزء اثر گذار تربیت هستند از دید آنان مغفول مانده است. ثالثا مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تربیت پنهان که در تعلیم و تربیت اثر گذار هستند و در قلمروی مدرسه و نظام آموزشی محدود هستند، عبارتند از: ابزار و شاخصه‌های یادگیری در مدرسه، روابط متقابل در مدرسه، معماری مدرسه و نظام بروکراسی و اداری مدرسه.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴، **معجم مقاییس اللغه**، تحقیق عبدالسالم محمد هارون، بیروت: عالم الکتاب.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، **لسان العرب**، قم، نشر ادب حوزه.

اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۸ش، **فقه تربیتی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، بی تا، **النهایة فی غریب الحدیث و الأثر**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۹۹۰م، **(الصحاح) تاج اللغه و صحاح العربیه**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱ش، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران، چاپ سیروس.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۲، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، مطبعه التقدم العربی.

شریعتمداری، علی، ۱۳۸۵ش، **اصول و فلسفه تعلیم و تربیت**.ـ تهران: امیرکبیر.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ق، **منیه المرید فی آداب المفید و المستفید**، قم، مکتب الاسلامی الاعلام.

طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ق، **مجمع البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، **فقه و مصلحت**، تهران، سازمان انشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاطمه بیان فر، ۱۳۸۸ش، **پایان نامه دکتری با عنوان تبیین اثر برنامه ی درسی پنهان مدارس در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی بر بازده‌های عاطفی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و ارائه مدل در خصوص عوامل اثرگذار این برنامه**، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، استاد راهنما دکتر حسن ملکی.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵، **المصباح المنیر**، قم، دارالهجره.

قورچیان، نادرقلی، (۱۳۷۳) تحلیلی از برنامه درسی مستمر، بحثی نو در ابعاد ناشناخته آموزشی،

تهران؛ **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی** شماره ۵.

کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۹۲ش، **تربیت چه چیز نیست**، تهران، محراب.

کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود، شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، پائیز و زمستان ۱۳۹۲، **مجله پژوهش‌های آموزش و یادگیری**، دانشگاه شاهد، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۳.

مارگولیس، اریک، ۱۳۹۵ش، **برنامه درسی پنهان در آموزش عالی**، مترجم دکتر کورش فتحی‌واجارگاه (استاد دانشگاه شهید بهشتی) مرتضی بازدار، تهران، موسسه کتاب مهربان نشر.

محمدی مهر، مژگان. فتحی واجارگاه، کورش(۱۸۳۱) جایگاه برنامه درسی پنهان در آموزش مداوم پزشکی،- **مجله راهبردهای آموزش**، سال اول، شماره یک.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸ش، **تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.

مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، موسسه الطباعه و النشر.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ش، **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران، صدرا.

مک کورت، فرانک، ۱۳۸۸ش، **آقا معلم**، مترجم منیژه شیخ جوادی بهزاد، تهران، پیکان.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار الفکر للطباعة.

هاشمی، سید حسین، ۱۳۸۸، چیستی و اهداف تربیت، **مجله پژوهشهای قرآنی** شماره ۵۹ و ۶۰ ویژه نامه قران و فلسفه تربیت.

Alvior, Mary G 2015,articl Seven School Curriculum Types and Their Classroom Implications, January.

David Killick, 2016 T, he Role of the Hidden Curriculum: Institutional Messages of Inclusivity, Article in Journal of Perspectives in Applied

David Killick, The Role of the Hidden Curriculum: Institutional Messages of Inclusivity, Article in Journal of Perspectives in Applied Academic Practice · April 2016 DOI: 10.14297/ jpaap.v4i2

Dewey, J. (1916/ 1966). Democracy and Education. Toronto: Collier-Macmillan, Canada.

DREEBEN,R. (1967). On What is Learned in School. London: Addison-Wesley Publishing company reading.

.DURKHEIM, E (1961). Moral Education. New York

Eisne, Elliot (1998). Educational Imagination On the Design and Evaluation of School Programs. Macmillan collwge publishing. N. Y.

Fulya Damla Kentli, Article COMPARISON OF HIDDEN CURRICULUM THEORIES, Department of Education Science, University of Hamburg, 2014, Hamburg, Germany.

George J. Posner, 1995, Analyzing the curriculum, Congressional Cataloging Data Library, USA, Second Edition.

Giroux, Henry and Anthony Penna. "Social Education in the Classroom: The Dynamics of the Hidden Curriculum." The Hidden Curriculum and Moral Education. Ed. Giroux, Henry and David Purpel. Berkeley, California: McCutchan Publishing Corporation.

henry Giroux, david purple, editors, The hidden curriculum and moral education, 1983 by mccutchan publishing corporation, united states of America, Article Elizabeth Vallance, «Hiding the hidden curriculum: An interpretation of the language of justification in nineteenth-century educational reform».

Jackson, p.w.1968. Classrooms in Life. New York: holt, Rinehart, and Winston.

James T. Lindroth, Article The Hidden Curriculum: What are you teaching

Martin, Jane, 1983, "What Should We Do with a Hidden Curriculum When We Find One?" The Hidden Curriculum and Moral Education. Ed. Giroux, Henry and David Purpel. Berkeley, California: McCutchan Publishing Corporation.